

معنی واژه های درس هشتم

تردید: شک

دقایق: جمع دقیقه, لحظه ها

دل آزرده: ناراحت

اثنا: میانه ها

حیرت: سر گستگی / شگفت زده شدن

حک کردن : تراشیدن

صاحبان قبور : کسانی که مرده اند و در گور دفن شده اند.

نظر : نگاه /دید گاه

خفتن : خوابیدن

اعظم :بزرگ/ بزرگتر

غفلت : بی خبری

دی : دیروز

نامده : نیامده

الکی:غیر جدی /دروغی

اضطراب :نگرانی /پریشان حالی

گره از کار دیگران گشودن:کنایه از بر طرف کردن مشکل

مصاحبت :هم نشینی /گفت و گو

اعجاب: شگفتی و تعجب

تامل :اندیشیدن / فکر کردن

عبرت : پند / اندرز

معنی کلمات سفرنامه اصفهان

معنی واژه ها

- 🍃 قلم زنی : کندن نقش بر روی فلزات
- 🍃 عین: مثل /مانند
- 🍃 از کوره در رفتن : کنایه از خشمگین شدن
- 🍃 طاقت: تاب و توان
- 🍃 عمارت :ساختمان /بنا
- 🍃 پلکیدن : آهسته و آرام حرکت کردن
- 🍃 هر هر خندیدن : پیوسته و بیهوده خندیدن
- 🍃 تو نخ چیزی رفتن : مشغول و متمرکز در کاری شدن
- 🍃 کلافه شدن : سخت ناراحت شدن
- 🍃 قراضه : خراب / کهنه و فرسوده
- 🍃 حوصله : صبر /تاب و تحمل
- 🍃 از زبان افتادن : کنایه از خسته شدن از پر حرفی /به کنایه نتوانستم حرف بزنم
- 🍃 تودوق کسی زدن:مایوس و ناامید کردن کسی
- 🍃 بار و بندیل : اسباب و اساس
- 🍃 ناشتایی : صبحانه عازم :قصد کننده
- 🍃 تک و دو : تلاش و تکاپو
- 🍃 شوفر:راننده ی اتو مبیل در زبان فرانسه
- 🍃 پوز خند:خنده ای به قصد تمسخر
- 🍃 بیتوته :شب در جایی ماندن
- 🍃 پر پر زدن دل :کنایه از نهایت اضطراب و بی تابی
- 🍃 اوقات تلخی : تند خویی
- 🍃 دیزی : دیگ آبگوشت
- 🍃 رونق : رواج
- 🍃 مناره :ستونی بلند در مسجد که در آن اذان میگویند
- 🍃 آهان : بلی / آری کار دست کسی دادن : برای کسی مشکل درست کردن
- 🍃 علاف: بی کار و سر در گم
- 🍃 عازم : رهسپار
- 🍃 گوشزد نمودن : یاد آوری کردن / تذکر دادن

معنی لغات و اشعار و عبارات فارسی هفتم

فارسی هفتم

حسین امینیان

🍃 زیربار رفتن : کنایه از پذیرفتن مسئولیت

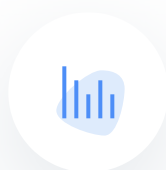
🍃 لب و لو چه تو هم رفتن : کنایه از اخم کردن / غمگین شدن

🍃 یک سطل آب سر کسی ریختن : کنایه از کسی را مأیوس و ناامید کردن



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد